

## سبک‌کالی و بکر ولیعظیم

### شهادت یاس

ابری است کوچه کوچه دل من خدا کند..... نم نم غزل بیبارد و طوفان به پا کند

حسی غریب در قلمم بغض کرده است ..... چیزی نمانده پشت غزل را دو تا

کند

مضمون داغ و واژه و مقتل بیاورید..... شاید که بغض شعر مرا گریه را

کند

با واژه های از رمق افتاده آمدم..... می خواست این غزل به شما

اقتدا کند

حالا اجازه هست شما را از این به بعد ..... این شعر سینه سوخته مادر صدا

کند

مادر، مادر دوباره کودک بی تاب قصه ات ..... تا این که لای لای تو با او چه ها

کند

یادش بخیر مادرم از کودکی مرا ..... می برد تکیه تکیه که نذرت کند

در کوچه های سینه زنی نوحه خوان شدم ..... تا داغ سینه تو سرا مبتلا کند

مادر دوباره زخم شما را سروده ام ..... باید غزل دوباره به عهدش وفا

کند

یک شهر خشم و کینه در آن کوچه مانده بود ..... دست تو را چگونه ز مولا جدا کنم

باور نمی کنم که رمق داشت دست تو را ..... مجبور شد که دست علی را رها کند

تو روی خاک بودی و درگیر خار بود ..... چشمی که خاک را به نظر

کیمیا کند

نفرین مکن اجازه بده اشک دیده ات ..... این خاک معصیت زده را کربلا  
کند

زخمی که تو نشان علی هم نداده ای ..... چیزی نمانده سر به روی نیزه وا کند  
باید شبانه داغ علی را به خاک برد ..... مگذار روز راز تو را بر ملا کند  
گفتند فاطمیه کدام است کوچه چیست ..... افسانه باشد اینهمه گفتم خدا کند  
با بغض مردی آمد از این کوچه ها گذشت ..... می رفت تا برای ظهورش دعا کند  
از کوچه ها گذشت و باران شروع شد ..... پایان شعر بود که طوفان شروع شد

شاعر: سید محمد جواد شرافت